

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

الحاج خلیل الله ناظم باختری

همبورگ - جرمنی

تنظیم و ویرایش: از پورتال

مصیبت‌های کابل

این پارچه شعر در دو قافیه و یک ردیف سروده شده است،

چنانچه در بیت هشتم بدان اشاره گردیده.

نی سخن از نکبتِ گل گفته ام
نی ز باغ و نی ز راغ و نی چمن
نی ز مینا و صحراهی و سبو
نی ز شان و شوکت و کرّ و فری
من درین عصر اتوم و علم و فن
از تجاوز، غارت و قتل و قتال
از بم و از راکت و خمپاره ها
قافیه در حالِ طغیان است و من
نی ز عیش و راحت و سیر و سفر
در بگیرد مسندِ زورآوران
می کشد مرد و زن و طفل و جوان
می تپند، بیچارگان در خاک و خون
گل به پیش دیده ام خار است و بس

نی حدیث از جوشِ سنبل گفته ام
نی ز قمری، نی ز بلبل گفته ام
نی ز ساقی و نه از مُل گفته ام
نی ز اسبابِ تجمل گفته ام
دمبدم از حلِ مشکل گفته ام
هم ز چور و هم چپاول گفته ام
از مصیبت‌های کابل گفته ام
در حقیقت بی تامل گفته ام
نی ز دریا و نه ساحل گفته ام
این دُعا در خانه دل گفته ام
روز و شب از ظلمِ قاتل گفته ام
هر نفس از حالِ بسمل گفته ام
از اول معنیّ حاصل گفته ام

رفته رفته {ناظم} بیدل شدم

آفرین بر جانِ بیدل گفته ام